

واکاوی توقیت و آسیب‌های آن در ادیان ابراهیمی

جمال فلاح یخدانی^۱

محمد مهدی لطفی^۲

چکیده

یکی از آموزه‌های مشترک ادیان ابراهیمی، اعتقاد به یک «منجی موعود» است که در پایان تاریخ، برای ایجاد صلح و امنیت و برقراری عدالت و ریشه‌کن کردن ظلم و فساد از جامعه بشری ظهور می‌کند. این اعتقاد، در بین پیروان ادیان ابراهیمی، آن قدر دارای اهمیت و اشتیاق است که هریک از پیروان، آرزوی درک چنین ایامی را در سر می‌پروراند. بنابراین، یکی از موضوعاتی که در بین پیروان ادیان ابراهیمی مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌گرفته، «توقیت» یا «تعیین زمان آمدن منجی موعود» است و این مسئله به این نکته منجر شده که بعضی افراد، زمان خاصی را برای آمدن منجی معین و بالتبع شور و شوق کاذبی را، ولو برای مدت کوتاهی در بین مردم ایجاد کنند. توقیت، مخصوصاً زمانی که از جانب علما مطرح شده، پیامدهای جبران‌ناپذیری برای آن دین و پیروان داشته‌است. این نوشتار ابتدا اصل مشروع بودن «توقیت» را بر اساس متون مقدس هر دین و گفتار علما بررسی و سپس آسیب‌هایی را که توقیت برای آن دین و پیروان آن ایجاد می‌کند، تبیین و ترسیم می‌سازد. واژگان کلیدی: توقیت، یهود، مسیحیت، اسلام، آسیب.

shahin1331@gmail.com

۱. دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب قم، دانش آموخته سطح ۳ مرکز تخصصی مهدویت

mlotfi313@gmail.com

یکی از دلواپسی‌های بشر در جهان امروز «آینده جهان» است و این که پایان این جهان چگونه خواهد بود؛ آیا به تاریکی و ظلمت ختم می‌شود، یا به روشنایی و عدالت؟ ادیان و مکاتب بشری، هر یک حدس‌ها و گمان‌هایی نسبت به این مسئله داشته و آینده‌ای برای این جهان ترسیم کرده که از موضوع بحث ما خارج است؛ اما ادیان ابراهیمی از آینده‌ای روشن، همراه با عدالت و رفاه فردی و اجتماعی در سایه ظهور منجی سخن می‌گویند و معتقدند در آینده‌ای نه‌چندان دور، چنین دورانی را شاهد خواهیم بود. این امر، سبب گمانه‌زنی‌هایی در مورد زمان تحقق این وعده شده که این گمانه‌زنی‌ها موجب گمراهی، انحراف، یأس و ناامیدی در بشر گردیده‌است. بنابراین، هر یک از ادیان ابراهیمی به‌شدت از توقیت نهی کرده و مردم را از پیروی کسانی که زمانی را برای آمدن منجی معین می‌کنند، برحذر داشته‌است. در آموزه‌های این ادیان، بیان شده‌است که تحقق این وعده، امری ناگهانی و غیرقابل پیش‌بینی است؛ در نتیجه از پیروان خود می‌خواهند که در تمام اوقات، خودشان را برای این امر مهیا کنند.

توقیت در یهود

یهود، با سابقه سه‌هزارساله از پیش‌قراولان موعود باوری^۱ در بین ادیان ابراهیمی است. امید به ظهور «ماشیح» از زمان شکل‌گیری این باور، در یهودیت وجود داشته‌است؛ اما این امید در کوران سختی و گرفتاری‌ها شدت می‌گرفته و وقتی یهودی‌ها در تنگنا و فشار قرار می‌گرفتند، به پیشگویی‌های کتاب مقدس درباره ماشیح روی می‌آوردند. علمای آن‌ها مدعی بودند که سختی‌ها و مشکلات قبل از ظهور ماشیح، مانند درد زایمان است که ابتدا تحمل آن سخت است؛ ولی در نهایت به آسایش و راحتی ختم خواهد شد. در مورد زمان ظهور ماشیح در

۱. در سنت یهود، بحث «موعود» بعد از سلیمان نبی - که شوکت اسرائیل با انحطاط روبه رو شد - شکل گرفت و قبل از آن بحث «منجی» مطرح بود. به عبارت دیگر: در زمان داوود و سلیمان بحث «منجی موجود» مطرح بود و بعد از این زمان بحث «منجی موعود» مطرح شد.

بین علمای یهود سه نظریه وجود دارد: گروهی مدعی هستند که زمان مشخصی برای آغاز دوران ماشیح وجود دارد؛ گروه دیگر برآنند که زمان ظهور ماشیح مخفی است و غیر از خدا کسی از آن اطلاع ندارد؛ گروه سوم، بر این باورند که زمان ظهور ماشیح به عملکرد مردم بستگی دارد. اینک به تفصیل دیدگاه‌های هر گروه را بررسی می‌کنیم:

۱. نظریه معلوم بودن زمان ظهور

پیروان این نظریه، سعی دارند با استفاده از اعداد و ارقامی که در کتاب مقدس، یا دوره‌های مختلف تاریخ مقدسشان وجود دارد، زمان ظهور را به دست آورند. این اعداد و ارقام غالباً زمان ظهور را بسیار نزدیک نشان می‌دهند.

از جمله این نظریات، محاسباتی است که در «تلمود» یافت می‌شود و اغلب آنان، تاریخی در حدود پایان قرن پنجم میلادی را نشان می‌دهند. مثلاً ایلیای نبی به یکی از دانشمندان گفت:

دنيا، دست کم ۸۵ یوبیل^۱ (۴۲۵۰ سال) دوام خواهد داشت و در آخرین یوبیل، فرزند داوود خواهد آمد. آن دانشمند از ایلیا پرسید: آیا ماشیح در آغاز آن یوبیل ظهور خواهد کرد، یا در پایان آن؟ ایلیا جواب داد: نمی‌دانم (کهن، بی‌تا: ۳۵۶).

یا یکی از علمای یهود به نام ربی حنینا گفته است:

اگر در سال چهارصد پس از ویرانی معبد (۴۷۱ م.) کسی به تو پیشنهاد کرد زمینی را که به یک هزار دینار ارزش دارد، به یک دینار خریداری کن، نپذیر؛ زیرا در آن وقت ماشیح ظهور خواهد کرد و ارزش زمین از بین خواهد رفت (گرینستون، ۱۳۸۷: ۷۱).

یکی دیگر از علمای یهود گفته است:

من به مردی برخورد کردم که توماری به زبان مقدس عبری، در دست داشت. از او پرسیدم: این را از کجا آوردی؟ گفت: این تومار را در بایگانی دولت روسیه در زمانی که در ارتش آن کشور، سرباز بودم، یافتیم. در آن تومار نوشته شده بود: در

۱. هر یوبیل معادل ۵۰ سال است.

سال چهار هزار و دویست ونود و یک از آفرینش (۵۳۱ م.) جهان ویران خواهد شد؛ بخشی به واسطه جنگ‌های عظیم دریایی و بخشی به واسطه جنگ‌های گوگ و ماگوگ^۱ و آن وقت، ایام ماشیح پیش خواهد آمد و خداوند جهان را از نو خواهد ساخت، مگر بعد از گذشت هفت هزار سال (کهن، بی تا: ۳۵۶).

این پیشگویی‌ها در طول تاریخ یهود ادامه داشت تا زمان ظهور اسلام. پیروان یهود، در این زمان، ظهور ماشیح را حدود نیمه قرن هفتم تعیین کردند. ربی ییشماعل می‌نویسد: در آینده، فرزندان اسماعیل (عرب‌ها) پانزده کار در سرزمین اسرائیل انجام خواهند داد... آنان یک بنا در مکان مقدس خواهند ساخت؛ و دو برادر [به عقیده شربوک، معاویه و زیاد] بر ایشان حکومت خواهند کرد که آخرین حاکمان ایشان خواهند بود؛ و در این ایام، شاخه داوود بر خواهد خاست (موحدیان عطار و ۱۳۸۸: ۱۹۴ و ۱۹۵).

در مکاشفات سیمون بن یوحای، پادشاهی عرب‌ها، به مثابه زمینه‌ساز ظهور ماشیح از طریق غلبه روم فهم شد. در این برداشت نیز، به (اشعیا ۶: ۷-۲۱) استناد شد که در آن، شترسواران (عرب‌ها) پیش از چهارگوش سوار آمده‌اند. در قرون وسطی نیز، این پیشگویی‌ها و محاسبات همچنان ادامه یافت؛ به عنوان نمونه سعدیا گائون - فیلسوف یهودی قرن دهم - در تفسیرش بر کتاب دانیال، زمان ظهور را سال ۹۷۸ م. تخمین زده است (موحدیان عطار و ۱۳۸۸: ۱۹۴-۱۹۵).

مؤلف کتاب انتظار مسیحا در آیین یهود می‌گوید:

بیش تر این پیشگویی‌ها از اعداد رمزی ۷ و ۴۰ بهره می‌گیرند و بر باب دوازدهم کتاب دانیال تکیه می‌کنند (گرینستون، ۱۳۸۷: ۷۱).

یکی دیگر از کتاب‌هایی که زمان ظهور را پیشگویی کرده، کتاب «زوهر»^۲ است که در

۱. مراد همان یاجوج و ماجوج است.

۲. این نام در عبری به معنای «درخشان» و از کتاب دانیال ۳:۱۲ اقتباس شده است. اثر مذکور یک تفسیر عرفانی پنج سِفرتورات است که تصور می‌شود تَنَّا رَّبِّي شَمَعُونَ بَن یوحای، به مریدان خود القا کرده است. بسیاری از آثار بعدی، مانند «میداش هتِیلام» (می‌دراش پنهان) و «رَعِیَا مِجْمَنَا» (شیان

باب اندیشه مسیحایی مقامی رفیع دارد. در این کتاب، زمان آمدن مسیحا با استفاده از محاسبات پیچیده حروف اسم اعظم خدا (یهوه) تعیین شده است. نویسنده این کتاب، بر اساس ردیف کردن مصنوعی ارزش عددی الفبای عبری، نتیجه می‌گیرد که عصر مسیحایی در سال ۱۳۰۰ م. (۵۶۰۰ یهودی) آغاز خواهد شد و در سال ۱۸۴۰ م. به اوج خود خواهد رسید. بدیهی است وی انتظار داشت آغاز آن عصر در زمان حیات خود او باشد. محاسبه‌ای که اشاره شد، نمونه روشنی از مبانی قبلا برای آرای مسیحایی است. در تمام این نوع محاسبات، اعداد مقدس ۷ و ۳ دارای نقش مهمی هستند. (همان: ۱۱۲ و the Zohar, vol. I, P. 117b).

یکی دیگر از علمای یهود به نام «آبرائیل» از فقرات مختلف کتاب مقدس، مخصوصا از اشارات رمزی کتاب دانیال، استنباط می‌کند که مسیحا در سال ۵۲۶۳ یهودی (۱۵۰۳ م.) خواهد آمد و چهار «سال سبتی» پس از آن، به سال ۱۵۳۱ میلادی، عصر مسیحایی آغاز خواهد شد. وی برای اثبات ادعای خود، چند عبارت از کتاب مقدس و تلمود را شاهد می‌آورد (گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۲۰). تعیین تاریخ برای ظهور ماشیح، برای جامعه یهودی مفاسدی در برداشت که در بخش آسیب‌ها به آن اشاره می‌کنیم.

۲. نظریه مخفی بودن زمان ظهور

از آن جاکه محاسبات در باب زمان ظهور ماشیح درست از آب در نمی‌آمد، در بین علمای یهود، ایده‌ای شکل گرفت مبنی بر این که تعیین زمان ظهور ممنوع اعلام گردد و آن را سری از اسرار الاهی بدانند. لذا گفتند: غیر از خدا، کسی از آن خبر ندارد! بر همین اساس، در

....»

وفادار) و غیره تحت عنوان کلی «زوهَر» قرار دارند. دو لئون، نخستین ویرایش‌گر این کتاب بود که چند چیز از پیش خود بر آن افزود و آن را منتشر کرد. این کتاب نه تنها در بین پیروان قبلا، بلکه تقریباً در بین همه بنی اسرائیل جایگاه ویژه‌ای یافت و بر زندگی و عادات یهودیان تأثیر عمیقی داشت. در بسیاری از جوامع، مطالعه زوهَر بی‌درنگ جای مطالعه تلمود را گرفت؛ زیرا آن نوشته را وحی مستقیم خدا به ربی شمعون بن یوحای تصور می‌کردند و قداست آن را با قداست کتاب مقدس برابر می‌دانستند. بسیاری از یهودیان تا زمان حاضر معتقدند که قرائت کتاب زوهَر، هرچند طوطی‌وار باشد؛ برای تهذیب نفس و ارتباط‌گیری با خدا کفایت می‌کند.

نقلی آمده‌است که هفت چیز بر انسان مستور است که یکی از آن‌ها زمان استقرار مجدد پادشاهی داوودی است. بر اساس نقلی دیگر، سه چیز به‌طور غیرمترقبه رخ می‌دهد: آمدن مسیحا، یافتن گنج و مانند آن و عقرب (موحدیان عطار و... ۱۳۸۸: ۱۹۴).

به همین دلیل در تلمود، پس از بیان مواردی از پیشگویی‌های مربوط به زمان ظهور، توقیت نفی گردیده و آمده‌است:

لعنت بر کسانی که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می‌کنند؛ زیرا ایشان چنین استدلال می‌نمایند که اگر تاریخ پایان ذلت فرارسید و ماشیح نیامد، هرگز دیگر نخواهد آمد...؛ لکن همواره منتظر ظهور او باش! چنان‌که گفته شده: اگرچه تأخیر کند، در انتظارش باش! (کهن، بی تا: ۳۵۶؛ طاهری آکردی، ۱۳۹۰: ۲۳۴ و حقوق، ۲: ۳).

یکی از حکما، شعرا و فلاسفه محبوب یهودیان اسپانیا، به نام «ربی یهودا هلوی» (۱۰۸۰-۱۱۴۲ م.) در یکی از اشعار صهیونیستی خود می‌گوید:

تاریخ نجات را محاسبه مکن؛ صبورانه منتظر باش؛ مشتاب؛ سرانجام، شکوه عمل من خدا را مشاهده خواهی کرد. به آنان که به دلیل داشتن شاهان و شاهزادگان بر خود می‌بالند، بگو: پادشاه قدوس خاندان یعقوب و همان، صخره نجات من است (گرینستون، ۱۳۸۷: ۹۱).

این گروه از علما، محاسبه زمان قطعی ظهور را برای ماشیح نهی می‌کنند؛ اما نسبت به زمان‌های احتمالی یا بیان نشانه‌های ظهور واکنشی ندارند؛ همان‌طور که «منسی بن اسرائیل» یکی از بزرگان یهود می‌گوید:

تعیین قطعی زمان ماشیح، از طریق محاسبه محال است و این راز را خدا مکتوم داشته و تلاش برای تعیین آن لزومی ندارد. دوران مسیحا، هنگام فرارسیدن، با نشانه‌های غیرقابل اشتباهی اعلام خواهد شد (همان: ۱۳۴).

۳. نظریه ظهور ماشیح در گرو عملکرد مردم

نظریه دیگری که در مقابل دو دیدگاه قبل وجود دارد، این است که زمان ظهور ماشیح از قبل معین نشده است، بلکه بنا به کردار مردم تغییر خواهد کرد. این نظریه از این بخش

استنباط شده است:

من، خداوند در وقت خودش آن را تسریع خواهم کرد» (اشعیا، ۶۰: ۲۲).

این سخن را چنین تفسیر کرده‌اند: اگر ملت اسرائیل استحقاق نجات را داشته باشد، نجات ایشان را تسریع خواهم کرد و اگر استحقاق نداشته باشد، در وقت خودش آن‌ها را نجات خواهم داد.

توبه، عمل نیک و احترام روز شنبه از جمله مواردی است که تأثیر به‌سزایی در تسریع زمان ظهور ماشیح دارد. در تلمود به نقش آفرینی هر یک از این‌ها در زمینه نجات اشاره می‌کند: «توبه، کاری عظیم است؛ زیرا نجات را نزدیک می‌کند». در جای دیگر آمده است:

زمان‌هایی که برای پایان ذلت بیان شده‌بود، سپری گشت (و ماشیح هنوز نیامده است). ظهور او فقط به توبه مردم و اعمال نیکی وابسته است که انجام دهند.

در جای دیگر آمده است:

اگر ملت اسرائیل فقط یک روز توبه کند، بلافاصله (ماشیح) فرزند داوود خواهد آمد. اگر ملت اسرائیل فقط یک (شنبه‌روز) شنبه را به‌طور صحیح و کامل نگه دارد، بی‌درنگ فرزند داوود خواهد آمد.

در جای دیگر می‌نویسد:

اگر ملت اسرائیل دو (شنبه‌روز) شنبه را طبق قوانین آن نگه دارد، بلافاصله نجات خواهد یافت (کهن بی تا: ۳۵۷ و گرینستون، ۱۳۸۷: ۷۲).

آسیب‌های توقیت در یهود

با این‌که بیش‌تر دانشمندان یهود، کوشش برای محاسبه و یافتن تاریخ پایان ذلت قوم اسرائیل و ظهور ماشیح، را به‌شدت تقبیح کرده‌اند؛ در طول تاریخ یهود افرادی بوده‌اند که خواسته یا ناخواسته به توقیت دامن زده و بالتبع مشکلات و انحراف‌هایی را برای آن‌ها پدید آورده‌اند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بستری برای مدعیان دروغین

یکی از معضلاتی که پیشگویی زمان ظهور ماشیح در برداشت، این بود که مردم چون توقع داشتند ماشیح در زمان مورد نظر ظهور کند، در چنین مواقعی فردی شیاد یا فریب‌خورده، فرصت را غنیمت شمرده و با ادعای خود هزاران نفر را به بدبختی و هلاکت مبتلا می‌کرد. در طول تاریخ یهود، افراد بسیاری بودند که در بستر این پیشگویی‌ها، ادعای مسیحایی کردند و گروهی را با خود همراه ساختند و موجبات بدبختی آن‌ها را فراهم کردند که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱-۱. «موسی» از جزیره کرت، که بر اساس این که ماشیح در هشتاد و پنجمین یوبیل، یعنی ۴۴۰-۴۹۰ م. ظهور می‌کند، ادعای مسیحایی کرد (موحدیان عطار و ... ۱۳۸۸:۲۰۲).

۱-۲. «ابراهیم ابوالعافیه اهل طلیطله» (۱۲۹۱-۱۲۴۰ م.) بر اساس پیشگویی کتاب «زوهر» که سال ۱۳۰۰ م. را به‌عنوان سال ظهور معرفی کرده‌بود، ادعای مسیحایی کرد. (گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

۱-۳. «منسی بن اسرائیل» (۱۶۰۴-۱۶۵۷ م.) بر اساس پیشگویی کتاب «زوهر» سال ظهور ماشیح را ۱۶۴۸ م. می‌دانست؛ در این سال ادعای مسیحا بودن کرد (همان: ۱۳۲).

۱-۴. «شبتای صبی» (۱۶۲۶-۱۶۷۶ م.) فرد دیگری بود که بر اساس پیشگویی ظهور ماشیح در سال ۱۶۴۸ م. ادعای مسیحایی کرد (Gershom Scholem, 1972: 142-166).

۱-۵. یک یهودی آلمانی به نام «آشرلملین» تحت تأثیر پیشگویی‌های «آبرانیل»، که سال ظهور ماشیح را ۱۵۰۳ م. می‌دانست؛ خود را پیش‌آهنگ مسیحا معرفی کرد (گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۲۹).

بنابراین، یکی از ضربه‌هایی که همیشه بر پیکر یهود وارد شده، از ناحیه مدعیان دروغین مسیحایی بوده است که ریشه برخی از این ادعاها را باید در توقیت جست‌وجو کرد. این مدعیان دروغین همواره افرادی را به‌واسطه این پیشگویی‌ها از بدنه یهود جدا می‌کردند و موجب انحراف یا نابودی آن‌ها می‌شدند.

۲. یأس و ناامیدی

یکی از آسیب‌هایی که توقیت برای تمام جوامع، مخصوصاً جامعهٔ یهودی، در طول تاریخ به همراه داشته، ناامیدی و یأس از آمدن ماشیح است. وقتی مردم به زمان پیشگویی شده نزدیک می‌شدند، تحول و دگرگونی خاصی در بین آن‌ها ایجاد می‌شد. این شور و شوق درک مسیحا در زمانی که یهودیان در تنگنا و فشار بودند، یا زیر سلطهٔ کشور و یا مذهب خاصی قرار داشتند، چندین برابر می‌شد؛ اما وقتی با این شور و اشتیاق با عدم تحقق ظهور ماشیح، رو به رو می‌شدند، تمام آرزوهای خود را بریادرفته می‌دیدند؛ سرخورده و سرافکنده می‌شدند و چه بسا در اصل وجود ماشیح شک می‌کردند؛ در نتیجه از دین خود دست می‌کشیدند و به دین رسمی کشوری که در آن زندگی می‌کردند. گرایش پیدا می‌کردند. بدین سبب است که در تلمود نسبت به این مسئله شدیداً اخطار داده شده است:

لعنت بر کسانی که تاریخ پایان ذلت اسرائیل و ظهور ماشیح را محاسبه می‌کنند؛ زیرا ایشان چنین استدلال می‌کنند که اگر تاریخ پایان ذلت فرارسد و ماشیح نیامد، هرگز دیگر نخواهد آمد... (کهن بی تا: ۳۵۶).

با این حال، افرادی بوده‌اند که با محاسبه زمان ظهور ماشیح و نیامدن ماشیح در زمان موردنظر، موجبات شک و دودلی و انحراف از مسیر اصلی دین یهود را برای بعضی از یهودیان فراهم ساختند که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. با ادعای موسی از جزیره کرت، یهودیان کسب و کار و زندگی روزمرهٔ خود را رها کردند و به همراه وی به ساحل رفتند تا به واسطهٔ معجزه و با خشک شدن دریا، به سرزمین مقدس بروند. این مدعی مسیحایی خود بر صخره‌ای ایستاد و به مردم گفت که خود را به دریا بیندازند و مطمئن باشند که دریا شکافته خواهد شد؛ اما این اتفاق به وقوع نپیوست و در نتیجه عده‌ای غرق شدند و جمع زیادی از نجات‌یافتگان به مسیحیت گرویدند (موحدیان عطار و ... ۱۳۸۸: ۲۰۲ و گرینستون، ۱۳۸۷: ۷۴).

۲. آشیرلمالین خود را پیش‌آهنگ مسیحا معرفی کرده و مدعی شده بود که اگر یهودیان شش ماه را در توبه، ریاضت و صدقه سپری کنند، مسیحا ظهور خواهد کرد! گروهی که به

دنبال وی به راه افتاده بودند، اوقات خویش را در روزه، نماز و ریاضت‌های سخت سپری کردند؛ به طوری که آن سال در تاریخ یهود به «سال توبه» معرفی شده است؛ اما تمام این امیدها با مرگ آشیرلمالین از بین رفت و بسیاری از یهودیان که به حرف‌های ساختگی او دل خوش کرده بودند، پس از ناکامی، به مسیحیت روی آوردند (گرینستون، ۱۳۸۷: ۱۲۱).

وقتی ادعاهای چنین اشخاصی غلط از آب درمی‌آمد، طرفداران آن‌ها در بین مردم موقعیت اجتماعی ضعیفی پیدا می‌کردند و در نتیجه پایه‌های شریعت در بین آن‌ها ضعیف می‌شد. در نگاه آن‌ها، دیگر ربانیون و شریعت موسوی اعتباری نداشتند و دیگر هیچ نیرویی نمی‌توانست آن‌ها را در برابر رنج‌های شدید و جانکاه اقوام دیگر برپا نگه دارد. بنابراین، امید به آینده‌ای روشن در دل آن‌ها می‌مرد و آن‌ها سرخورده، حیران و ناامید و از آینده، به دین مسیحیت یا دیگر ادیان، گرایش پیدا می‌کردند.

۳. تشکیل فرقه

یکی از خسارت‌هایی که توقیت بر پیکر دین یهودی وارد کرد، جدا شدن گروهی از مردم به عنوان فرقه جدید از بدنه دین یهود بود. این اتفاق در یهود به مراتب از سایر ادیان ابراهیمی کم‌تر است؛ با این حال، می‌توان آن را به عنوان یکی از آسیب‌های توقیت در دین یهود برشمرد. یکی از فرقه‌هایی که بر بستر محاسبات زمان ظهور ماشیح به وجود آمد، فرقه «شبتائیه» یا «دونمه» بود که توسط طرفداران شبتای صبی ایجاد شد. شبتای صبی در بیست و دو سالگی، به سال ۱۶۴۸ م. که در کتاب زوهر به عنوان سال ظهور ماشیح معرفی شده بود؛ خود را منجی بنی اسرائیل معرفی کرد و افراد زیادی که دلباخته درک حضور مسیحایی بودند؛ دور او جمع شدند و حتی بعد از مرگ او در سال ۱۶۷۶ م. از اعتقاد به مسیحایی او دست برداشتند و توسط گروهی از شیادان که بعد از او ادعای مسیحایی داشتند، فرقه‌ای به نام شبتائیه یا دونمه تشکیل دادند که در ترکیه، لهستان و ایتالیا گسترش یافت. افراد این گروه، در حال حاضر، اگرچه تعدادشان کم است؛ هنوز در بعضی از شهرهای ترکیه فعالیت دارند.

توقیت در مسیحیت

برخلاف یهودیت که در کتاب مقدسشان بر مخفی بودن زمان ظهور صراحتی وجود نداشت؛ در مسیحیت آیات بسیاری در عهد جدید وجود دارد که به مخفی بودن زمان ظهور مسیحا تصریح می‌کند. در آیاتی از انجیل متا، زمان آمدن مسیحا، مانند زمان آمدن طوفان نوح دانسته شده‌است. توضیح این که زمان طوفان نوح نامشخص بود و کسی از آن جز خدا خبر نداشت، زمان آمدن مسیحا هم مشخص نیست:

هیچ کس غیر از پدر، از آن روز و ساعت خبر ندارد؛ حتی پسر و فرشتگان آسمانی از آن بی‌خبرند. زمان ظهور پسر انسان، درست مانند روزگار نوح خواهد بود. در روزهای قبل از طوفان؛ یعنی تا روزی که نوح به داخل کشتی رفت، مردم می‌خوردند، می‌نوشیدند، ازدواج می‌کردند و چیزی نمی‌فهمیدند تا آن که سیل آمد و همه را از بین برد. ظهور پسر انسان، همین‌طور خواهد بود (متا: ۲۴: ۳۶-۳۹).^۱

در انجیل مرقس، آمدن مسیحا به برگشت صاحب‌خانه‌ای که به سفر رفته و هیچ کس از آمدن او خبر ندارد؛ تشبیه شده است:

ولی از آن روز و ساعت، غیر از پدر، هیچ کس اطلاع ندارد؛ نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. پس، بر حذر و بیدار شده، دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. مثل کسی که عازم سفر شده؛ خانه خود را واگذارد و خادمان خود را قدرت داده؛ هریکی را به شغلی خاص مقرر کند و دربان را امر فرماید که بیدار بماند. پس، بیدار باشید؛ زیرا نمی‌دانید که در چه وقت صاحب خانه می‌آید؛ در شام یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح! مبادا ناگهان آمده شمارا خفته یابد! (مرقس، ۱۳: ۳۲-۳۶).

در انجیل لوقا، آمدن مسیحا به افتادن دامی بر سر آدم تشبیه شده است:

شما از آمدن مسیحا اطلاعی نخواهید داشت؛ همان‌طور که انسان یا هر چیز دیگر که در دام گرفتار می‌شود، از افتادن دام بر سر خود خبر ندارد؛ پس خود را حفظ کنید! مبادا دل‌های شما از پرخوری و مستی و اندیشه‌های دنیوی، سنگین

۱. در انجیل متا ۲۴: ۴۴ و در انجیل لوقا ۱۲: ۴۰ به ناگهانی بودن ظهور عیسی ﷺ اشاره شده است.

گردد و آن روز ناگهان بر شما آید؛ زیرا مثل دامی بر ساکنان تمام روی زمین خواهد آمد. پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست، نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید! (لوقا، ۲۱: ۳۴-۳۶)¹.

علاوه بر آیات مذکور که به صراحت زمان ظهور حضرت مسیح را مخفی عنوان کرده؛ دلیل دیگری از کتاب مقدس، بر نامشخص بودن زمان ظهور مسیح می‌توان استفاده کرد و آن عبارت‌است از: آیاتی که زمان ظهور را در آینده نزدیک عنوان می‌کند (متا ۱۷: ۱۱-۱۳؛ مرقس ۹: ۱۱-۱۳ و مکاشفه ۲: ۵ و ۱۶) و آیاتی زمان ظهور را در آینده دور (متا ۲۴: ۲۳-۲۷؛ رساله دوم پطرس ۳: ۹) خبر می‌دهد که این‌ها بر نامشخص بودن زمان ظهور مسیح دلالت دارد. آیات مذکور، علاوه بر این که گویای مخفی بودن زمان ظهور است، مبین چند نکته است:

اول: همان‌طور که غلام باید منتظر صاحب‌خانه باشد و حق خوابیدن و مشغول شدن به امور دیگری (که او را از صاحب‌خانه غافل کند) ندارد؛ شما مردم باید این‌گونه منتظر باشید و هیچ‌گاه اجازه ندهید امور روزمره، شما را از منجی و ظهور او غافل کند.
دوم: فقط انتظار و چشم به راه بودن کافی نیست؛ بلکه چشم به راه بودن باید با تلاش، حرکت، صبر و تحمل همراه باشد. از این رو در این آیات سفارش شده که تمام اوقات را در حال توجه و دعا بگذرانید و نگذارید عیش و نوش دنیا شما را نسبت به این مسئله غافل و درد و رنج روزگار آخرالزمان شمارا نا امید کند.

نکته قابل تأمل این که اگرچه کتاب مقدس، صراحتاً ظهور عیسی علیه السلام را «ناگهانی» و زمان آمدن او را «مخفی» اعلام می‌کند؛ در طول تاریخ مسیحیت افراد بسیاری بودند که این تصریح کتاب مقدس را نا دیده انگاشتند و زمان خاصی را برای ظهور عیسی علیه السلام تعیین کردند؛ مخصوصاً این مسئله در بین هزاره‌گراها دارای نمود بیش‌تری است. در بین افراد این گروه، موقع نزدیک شدن به مهر و موم‌های ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ شور و هیجان خاصی برای درک

۱. در رساله دوم پطرس ۳: ۱۰ آمدن مسیحا به آمدن سارق تشبیه شده است.

ظهور حضرت عیسی علیه السلام حکم فرما می‌شد؛ اما هم‌اکنون که سال ۲۰۰۰ سپری شده و از ظهور او خبری نشده؛ جمعی به دو هزارمین سال مصلوب شدن و برخاستن وی از قبر؛ یعنی حدود سال ۲۰۳۰ م. دل بسته‌اند!

آسیب‌های توفیق در مسیحیت

توفیق برای ظهور حضرت عیسی علیه السلام پیامدهایی برای مسیحیت داشته‌است که به بعضی از موارد آن اشاره می‌کنیم:

۱. تشکیل فرقه‌هایی در مسیحیت

اعتقاد به ظهور مسیح علیه السلام، مخصوصاً در سال‌های منتهی به هزاره‌ها سبب شده‌است در طول تاریخ، انتظار دم‌افزونی در جامعه مسیحی وجود داشته‌باشد. همچنین این انتظار موجب ظهور گروه‌ها و فرقه‌های زیادی شده‌است. برای مثال: در قرن شانزدهم میلادی گروهی از «اناباپتیست»^۱ها برای آماده کردن سلطنت هزارساله عیسی علیه السلام قیام کردند و برخی از شهرها را برای مدتی در اختیار گرفتند؛ ولی شورش آنان بی‌رحمانه سرکوب شد.

«ایروینگیان»^۲ نیز جماعتی بودند که برای سرعت دادن به ظهور منجی، دوازده حواری تعیین کردند؛ اما چون با مرگ حواریون در هدف خود ناکام ماندند، گروهی از آنان به نام «نوایروینگیان» برای آن حواری جانشین تعیین کردند و این حرکت را ادامه دادند.

در آغاز قرن نوزدهم میلادی، اعتقاد به بازگشت عیسی علیه السلام و آغاز هزاره خوشبختی گسترش بیش‌تری یافت و کلیساهای متعددی بر اساس این باور پدید آمد. در اوایل سال ۱۸۰۰ م. در کشور انگلستان گروهی که جمعیت معتقدان به بازگشت عیسی علیه السلام خوانده می‌شدند؛ جامعه بزرگی را به‌عنوان آرمان‌شهر خود برگزیدند. این گروه، پس از چندی به آمریکا رفتند و در سال ۱۸۴۰ م. بالغ بر شش هزار نفر تابع پیدا کردند. (موحدیان عطار و ... ۱۳۸۸: ۲۵۰).

1. Anabaptists

2. Irvingites

۲. گسترش فرقه‌های هزاره گرا

قرن نوزدهم میلادی، قرن گسترش «فرقه‌های هزاره گرا» است؛ به طوری که در این قرن، این گروه وجهه غالب دین‌داری مسیحی را به خود اختصاص داده است. در این نوشتار به چند گروه از این فرقه‌ها که در بستر محاسبات زمان ظهور مسیحا شکل گرفته‌اند؛ اشاره می‌کنیم:

۱-۲. ادونتیست‌ها^۱

این گروه یک نهضت اصلاحی مکاشفه‌ای است که در فاصله سال‌های ۱۸۳۰-۱۸۴۰ م. در آمریکا ظاهر شد. پیدایش این نهضت، محصول پیشگویی یک کشاورز انگلیسی به نام «ویلیام میلر»^۲ (۱۷۸۲-۱۸۴۹ م.) است. او در پی مطالعه کتاب مقدس، به ویژه کتاب دانیال و مکاشفه، اعلام کرد که بازگشت عیسی علیه السلام در سال ۱۸۴۳ م. خواهد بود.

میلر پیشگویی خود را به طور رسمی در طی سخنرانی‌های پراکنده در سال ۱۸۳۱ م. اعلام کرد و توانست جماعت بسیاری از مردم را از کلیساهای پدری خود جدا سازد و به کلیسای تازه‌ساز «ادونتیسم» در آورد. این نهضت وقتی به سال موعود رسید، نهایت بالندگی را پیدا کرد؛ اما وقتی در آن سال، مسیح علیه السلام ظهور نکرد و این آرزو تحقق نیافت، تاریخ برگشت مسیح علیه السلام اصلاح شد و ۲۲ اکتبر سال ۱۸۴۴ م. برای این واقعه اعلام گردید! وقتی در آن سال هم عیسی علیه السلام بازنگشت، در یک عذرخواهی رسمی در سال ۱۸۴۵ م. پذیرفتند که محاسبه در تعیین روز بازگشت مسیح علیه السلام اشتباه بوده و مسیحیان باید در انتظار عمیق بازگشت عیسی علیه السلام باشند؛ بی‌آن که تاریخ آمدنش معلوم باشد!

پس از این بحران، شمار زیادی از پیروان این نهضت به کلیسای اولیه خود بازگشتند؛ ولی کسانی که از کلیسای خود تکفیر و رانده شده بودند، به اجبار، فرقه و گروه‌های دیگری را تشکیل دادند که می‌توان از «ادونتیست‌های روز هفتم»، به عنوان بزرگ‌ترین گروه از این نهضت اسم برد (رسول‌زاده، و ۳۲۳:۳۸۹ و موحدیان عطار و ... ۱۳۸۸: ۲۵۱ و ۲۵۲).

1 Advantists.

2. William miller

۲-۲. انجمن شاهدان یهوه

این انجمن در اصل، یک سازمان یهودی - مسیحی است که از سال ۱۸۷۲ م. فعالیت خود را در ایتالیا آغاز کرده است. این انجمن نیز، یک نهضت کاملاً مسیحایی است که بر پایه پیشگویی مؤسس خود، «چالز راسل»^۱ شکل گرفته است. وی در پی تأمل و محاسبه عددی در کتاب مقدس، اعلام کرد که مسیح علیه السلام در سال ۱۸۷۴ م. به صورت روحی نامرئی باز خواهد گشت و در سال ۱۹۱۴ م. سلطنت خدا را روی زمین استوار خواهد کرد. البته، با نزدیک شدن سال موعود، پیشگویی‌های او آهنگی ملایم‌تر به خود گرفت و در نهایت، تاریخ بازگشت مسیح علیه السلام به سال ۱۹۱۸ م. تغییر کرد. وقتی در این سال - برخلاف وعده راسل - عیسی علیه السلام برنگشت، «رادرفورد» - جانشین راسل - تاریخ ظهور را تا سال ۱۹۲۵ م. به تأخیر انداخت! (همان: ۲۵۳).

۳. یأس و ناامیدی

با تعیین زمانی خاص برای ظهور مسیح علیه السلام، توسط بزرگان مسیحی؛ مردم با شور و اشتیاق تمام، چشم به آمدن آن زمان می‌دوختند تا ظهور مسیح را شاهد باشند و چه بسا از کار وزندگی خویش دست می‌کشیدند و حتی بعضی افراد، کلیسای اجدادی خود را ترک می‌کردند تا شاید به درک حضور مسیح علیه السلام توفیق پیدا کنند؛ اما وقتی زمان مورد نظر فرا می‌رسید و از ظهور مسیح علیه السلام خبری نمی‌شد؛ همه کسانی که با شوق و اشتیاق چشم به آسمان دوخته بودند تا مسیح علیه السلام بیاید، سرخورده و نا امید می‌شدند و بعضاً با شرمساری به زندگی و کلیسای قبلی خود برمی‌گشتند.

توقیت از منظر اسلام

در اسلام، بحث موعود باوری با قدمتی به اندازه کل تاریخ اسلام، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا از ابتدا که دین اسلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پایه‌ریزی شد، خود ایشان از

وجود فردی در پایان تاریخ که جهان را از عدالت پر می‌کند، خبر دادند. بنابراین، اعتقاد به منجی و موعود، از همان لحظه تکوین اسلام با این دین گره خورده و در معادلات حرکت‌های تاریخی دارای نقشی اساسی بوده؛ از این روی همواره یکی از پرسش‌هایی که ذهن هر مسلمان را به خود مشغول داشته، این بوده و این است که زمان ظهور منجی موعود و تحقق این وعده الهی کی خواهد بود. در این مجال به بررسی توقیت در روایات و کلمات علما می‌پردازیم:

توقیت در روایات

روایات اسلامی، مانند عهد جدید مسیحیان، توقیت و تعیین زمان ظهور را نهی کرده‌اند. در روایات اسلامی زمان ظهور، مخفی و نامعلوم عنوان شده است. این روایات به دو بیان به مخفی بودن زمان ظهور پرداخته‌اند:

۱. دروغ گو خواندن مدعیان توقیت

در برخی روایات با دروغ گو خواندن توقیت‌کنندگان، در واقع از توقیت نهی کرده‌اند که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

ابو بصیر می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام، راجع به قائم علیه السلام پرسیدم؛ فرمود: وقت گذاران دروغ گویند، ما خانواده‌ای هستیم که [برای این امر] وقت تعیین نمی‌کنیم (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶۸).

در روایت دیگری، امام علیه السلام مردم را از عواقب توقیت مطلع می‌کند و می‌فرماید که چه بسا توقیت موجب گمراه شدن انسان‌ها گردد؛ مخصوصاً زمانی که توقیت با واقع مطابق نگردد. در همین زمینه فضیل بن یسار می‌گوید:

به امام باقر علیه السلام عرض کردم: برای این امر وقتی هست؟ فرمود: «وقت گذاران دروغ می‌گویند! وقت گذاران دروغ می‌گویند! وقت گذاران دروغ می‌گویند! همانا موسی علیه السلام چون (در طور سینا) برای پیغام بردن بر پروردگار خود وارد شد، قومش را وعده سی روز داد، و چون خدا ده روز بر سی روز افزود، قومش گفتند: موسی

با ما خلف وعده کرد، و لذا کردند، آنچه کردند [یعنی گوساله‌پرست شدند] پس، اگر ما خبری به شما گفتیم و طبق گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست فرموده است و اگر به شما خبری گفتیم و برخلاف گفته ما واقع شد، بگویید: خدا راست فرموده است تا دو پاداش گیرید» (همان: ۳۶۸).

در بعضی روایات، امام علیه السلام توفیق کنندگان را در کنار «مُسْتَعَجِلُونَ» قرار می‌دهد. در این زمینه عبد الرحمن بن کثیر می‌گوید:

خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مهزم وارد شد و عرض کرد: قربانت! به من خبر دهید امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ فرمود: «ای مهزم! دروغ گفتند وقت گذاران و هلاک شدند شتاب کنندگان و نجات یافتند تسلیم شوندگان» (همان: ۳۶۸).

در بعضی روایات، امام علیه السلام می‌فرماید: خداوند با زمان توفیق کنندگان مخالفت می‌کند. در این مورد ابی بصیر می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره قائم علیه السلام پرسیدم؛ فرمود: «کسانی که وقتی را تعیین کنند، دروغ گفته‌اند. ما خانواده‌ای هستیم که وقت تعیین نمی‌کنیم. سپس فرمود: خداوند جز آن که با وقتی که تعیین کنندگان تعیین کرده‌اند، مخالفت کند؛ کاری نمی‌کند! (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۹۴).

در توفیعاتی که از ناحیه مقدسه رسیده؛ خود امام عصر علیه السلام فرموده است؛ امر ظهور به خدا مربوط است و تعیین کنندگان وقت ظهور دروغ گو هستند. (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۹۱).

۲. تشبیه زمان ظهور به زمان قیامت

در بعضی روایات، ظهور حضرت مهدی علیه السلام به «زمان قیامت» تشبیه شده است و طبعاً چون زمان وقوع قیامت بر کسی جز خدا معلوم نیست؛ زمان ظهور را هم جز خدا کسی نمی‌داند.

در این زمینه روایتی با سند صحیح از امام رضا علیه السلام وارد شده است. امام در جواب دعبل خزاعی می‌فرماید:

... اما این که [زمان ظهور] کی خواهد بود؛ این اخبار از وقت است و پدرم از

پدرانش روایت می‌کند که به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ گفتند: ای رسول خدا! قائم از فرزندان شما کی خروج می‌کند؟ فرمود: مَثَلُ او مَثَلُ قِيَامَتِ اسْتِ که «لا يَجْلِيهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ ثَقَلَتْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْتَهُ» (ابن بابویه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۳۷۳).

علامه طباطبایی در ذیل آیه «يَسْئَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا» (نازعات: ۴۲) می‌نویسد: پس جمله «لا يَجْلِيهَا لَوْ قَتَبَهَا إِلَّا هُوَ...» (همان)؛ معنایش این است که قیامت را هویدا نمی‌کند و پرده از روی آن و این که چه وقت واقع می‌شود، بر نمی‌دارد؛ مگر خدای سبحان، و همین معنا دلالت می‌کند که ثبوت و وجود قیامت و علم به آن یکی است؛ یعنی وقوع و ثبوتش در کمون غیب نزد خدا محفوظ است، و هر وقت خدا بخواهد پرده از آن برداشته و آن را ظاهر می‌کند، بدون این که غیر او کسی به آن احاطه یافته، یا برای چیزی از اشیا، ظاهر گردد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۸: ۳۷۰).

بنابراین، همان‌طور که علم به وقوع قیامت فقط نزد خداوند است و از طرفی علم به زمان ظهور به علم به زمان قیامت تشبیه شده است؛ جز خدا کسی به وقت ظهور علم و آگاهی ندارد و لذا نمی‌توان برای ظهور زمانی را مشخص و تعیین کرد.

توقیت در کلمات علما

با توجه به این که توقیت بحثی اعتقادی است، نه فقهی؛ انتظار آن نیست که فقها در کتاب‌های فقهی خود در این مورد بحث کرده و به جواز یا حرمت آن فتوا داده باشند؛ اما با توجه به این که در قدیم اکثر محدثین، فقیه هم بودند در کتاب‌های اعتقادی و روایی خود، فصل یا بابی با عنوان «نهی از توقیت» یا «باب کراهیت توقیت» اختصاص داده و دیدگاه خودشان را بر حرمت یا کراهت توقیت بیان کرده اند که ذیلاً به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در کافی، بابی با عنوان «كِرَاهِيَةُ التَّوْقِيْتِ» آورده و ذیل این باب، هفت حدیث

دال بر منع از توقیت ذکر کرده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶۸).

- شیخ طوسی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در الغیبه در فصل هفتم می‌نویسد:

وَ أَمَّا وَقْتُ خُرُوجِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَلَيْسَ بِمَعْلُومٍ لَنَا عَلَى وَجْهِ التَّفْصِيلِ بَلْ هُوَ مَغِيبٌ عَنَّا إِلَى

أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ بِالْفَرَجِ؛ وقت خروج حضرت حجت عجل الله فرجه به طور مشخص و به صورت تفصیلی برای ما معلوم نیست، بلکه ایشان از ما غایب است، تا زمانی که خداوند به ایشان اجازه فرج بدهد (طوسی، ۱۴۱۱: ۴۲۵). ایشان در ادامه به روایات منع از توقیت می‌پردازد.

- علامه مجلسی رحمته الله در بابی با عنوان «التمحیص و النهی عن التوقیت و حصول البداء فی ذلک»، به روایات منع از توقیت پرداخته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۹: ۱۴۳). ایشان در کتاب مرآة العقول در ذیل حدیث اول منع از توقیت، می‌نویسد:

مراد از کراهیه التوقیت، کراهت تعیین وقت برای ظهور قائم عجل الله فرجه است و منظور از کراهت، حرمت است، زمانی که توقیت از روی علم نباشد (همان، ۱۴۰۴، ج ۴: ۱۷۰).

- مرحوم ملا صالح مازندرانی در شرح خود بر کافی در باب «کراهیه التوقیت» می‌نویسد:

تعیین وقت برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه کراهت دارد و ظهور کراهت در کراهت است و در حرمت محتمل است. (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۶: ۳۱۴).

اگرچه ائمه علیهم السلام در روایات فراوانی، از توقیت نهی کرده و فرموده‌اند که ما زمانی را برای ظهور مشخص نمی‌کنیم و توقیت کنندگان را دروغ‌گو خوانده و در پیروی از آن‌ها، علما به حرمت یا کراهت توقیت قائل شده‌اند؛ در طول تاریخ اسلام افرادی بوده‌اند که خواسته یا ناخواسته در این گرداب افتاده و زمان‌هایی را برای ظهور بیان کرده‌اند. برای نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- جوینی یکی از علمای شیعه، بر اساس روایتی^۱ از پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله وسلم سال ظهور مهدی عجل الله فرجه را ۳۰۲ ق. ذکر می‌کند.

- محمدباقر سیرجانی یزدی، معروف به لسان العلماء، یکی از علمای شیعه در رد تطبیق روایت ابولبید بر مدعای بابی‌ها می‌گوید: آنچه از وجوه ادبی و حساب ابجدی این روایت

۱. قال رَسُولُ اللَّهِ «تَطْلُعُ الشَّمْسُ مِنْ مَغْرِبِهَا عَلَى رَأْسِ الثَّلَاثِمِائَةِ مِنْ هِجْرَتِي» (ر.ک. القاضی النعمان المغربي، ج ۳: ۴۱۸)

فهمیده می‌شود، غیر از سالی است که بایبه به آن استدلال می‌کنند. ایشان به تاریخ ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، می‌رسد. بعد می‌فرماید: به احتمال قوی سال ۱۳۳۷ ق. سال ظهور باشد. (رضایی مهر، ۱۳۹۴: ۱۲۳-۱۲۸).

- جلال‌الدین سیوطی، یکی از علمای تسنن، بر اساس روایت «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ لَا يَمُوتُ فِي قَبْرِهٖ أَلْفَ سَنَةٍ...» و با اعتماد به مفاد این حدیث، به خروج مهدی و دجال و نزول عیسی عليه السلام و دیگر اشراط الساعه در سده دهم ق. فتوا می‌دهد. سیوطی در ادامه، بر اساس دیگر احادیث، وقوع این امور را در قرن دوازدهم قمری می‌داند و می‌نویسد: در بدبینانه‌ترین حالت، این رخدادها قطعاً پیش از سده پانزدهم قمری. به وقوع خواهد پیوست (سیوطی ۱۴۲۴، ج ۲: ۱۰۳).

- پیر غلام علی طوسی شریف در رساله خود به نام «مبشرة شاهیه» - که در حوالی سال ۹۵۰ ق. نوشته؛ کوشیده‌است ادله و شواهدی برای ظهور حضرت حجت عجل الله فرجه در ۱۳ سال بعد؛ یعنی سال ۹۶۳ ق. اقامه کند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۳۲۳).

آسیب‌های توقیت در اسلام

توقیتی که توسط بعضی از افراد در دایره اسلام رخ داده، بر دو نوع است: بعضی از توقیت‌ها به صورت احتمال بیان شده و از زمان ظهور، به طور قطع صحبت نمی‌کند. بعضی از توقیت‌ها از زمان خاصی برای ظهور نام می‌برد که از ناحیه این نوع توقیت، آسیب‌های متعددی بر پیکر اسلام و مسلمین وارد آمده‌است که ذیلاً به نمونه‌ای از این آسیب‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. یأس و ناامیدی

یکی از آثار سوئی که توقیت برای توقیت‌کنندگان و پیروان آن‌ها داشته و دارد، ناامیدی از وضع آینده جهان و نجات بشر است؛ زیرا وقتی طبق تاریخ پیشگویی شده، حضرت ظهور نکند، بعضی از مردمی که به ظهور دل خوش کرده بودند، چه‌بسا نسبت به اصل وجود امام و نیز آموزه‌های دینی سست و بی‌رغبت شده و هیچ‌گونه فعالیت و حرکتی در مقوله انتظار و

درک دولت حقّه آن حضرت از خود نشان ندهند. از این روست که امام کاظم علیه السلام به علی بن یقطین می‌فرماید:

... به راستی اگر به ما بگویند این امر محققاً بعد از دویست، یا سیصد سال است، دل‌ها سخت و سرد شوند و عموم مردم از اسلام برگردند؛ ولی گفته‌اند: وه! چه بسیار زودرس است و چه بسیار نزدیک است برای دل گرمی مردم و برای نزدیک ساختن فرَج (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۳۶۹).

بنابراین، اگر ملاحظه می‌شود که معصومین علیهم السلام برای ظهور وقت تعیین نمی‌کنند، یا تعیین کنندگان وقت را دروغ‌گو خوانده‌اند؛ به خاطر زنده نگه‌داشتن روحیه انتظار و پویایی این رویکرد در بین مسلمان‌ها و جلوگیری از دل‌سرد و ناامید شدن آن‌ها از فرج، مخصوصاً در صورت طولانی شدن غیبت است.

۲. بستری برای مدعیان دروغین و تشکیل فرقه انحرافی

در اسلام - برخلاف یهود - پیشگویی زمان خاصی برای ظهور که بستری برای مدعیان دروغین شده باشد؛ نداریم؛ زیرا در اسلام - برعکس یهود - اول مدعیان، ادعای خود را مطرح می‌کردند، بعد برای توجیه ادعای خویش، خودشان یا پیروان آن‌ها به برخی روایات، یا گفتار بعضی از علما تمسک می‌کردند که در آن روایات یا گفته‌ها به زمان خاصی اشاره شده بود و مدعیان می‌توانستند آن زمان را بر ادعای خود - ولو با توجیه‌های تکلف‌آمیز - تطبیق کنند. لذا در اسلام به خاطر این خصیصه، جدایی دو آسیب «بسترسازی برای مدعیان دروغین» و «تشکیل فرقه انحرافی» عملاً ممکن نیست؛ زیرا این توجیه‌ها نوعاً بعد از آن که این گروه از پیکر اسلام جدا می‌شد و فرقه خاصی را تشکیل می‌داد؛ صورت می‌گرفت. بنابراین، در اسلام ادعایی که به تشکیل فرقه منجر شده باشد، (مانند اغلب آنچه در یهودیت است) و یا تشکیل فرقه‌ای که بدون مدعی باشد (مانند آنچه در مسیحیت است) متصور نیست. از این رو، ما در این نوشتار به هردو آسیب در کنار هم می‌پردازیم و به بعضی از این مدعیان که گروهی را از پیکره اسلام جدا کرده‌اند؛ و آن‌ها را تحت لوای دیگری جمع کرده‌اند؛ اشاره می‌کنیم:

- شاهان صفوی از جمله کسانی بودند که به گفتار علما برای مشروعیت ادعای خود

استفاده کرده‌اند. آن‌ها بر اساس علم حروف و اعداد اشعار شاه نعمت‌الله ولی (که حاوی مضامین صوفیانه و مهدیانه، با اشارات پیشگویانه است) خود را به‌عنوان منجی، یا مقدمه مهدی عَلَيْهِ السَّلَام، به‌ویژه با تعبیر «نایب مهدی» معرفی کرده. مثلاً آن‌ها بر اساس حروف ابجد، نایب بودن اسماعیل هادی را که در ۹۰۹ ق خروج کرد؛ اثبات می‌کنند. همچنین بر اساس اشعار دیگر ایشان، به آمدن اسماعیل و طهماسب صفوی خبر می‌دهند و می‌گویند: بعد از آن‌ها مهدی عَلَيْهِ السَّلَام ظهور می‌کند (جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۳۳-۱۳۶).

- یکی از کسانی که ادعای مهدویت کرده و ادعای خود را بر اساس روایتی از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ عَلَى رَأْسِ كُلِّ مِائَةِ سَنَةٍ مَنْ يُجَدِّدُ لَهَا دِينَهَا» (الآزدي، ۱۴۱۸: ج ۴: ۳۱۳)؛ مشروعیت می‌بخشد؛ غلام احمد قادیانی است. او با اتمام قرن سیزدهم قمری، خود را مجدد قرن خواند و حدود صدسال پیش در هند فرقه‌ای را به نام «قادیانیه» پایه‌ریزی کرد. در حال حاضر طرفداران وی همچنان فعال بوده و مانند بهائیت، از سیستم تبلیغاتی پرقدرتی برخوردار هستند (جعفریان، ۱۳۹۱، ش: ۲۲۹).

از جمله این افراد که بر اساس روایت «مجدد رأس مائه» پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ادعای مهدویت کرد، محمود پسیخانی (متوفای ۸۳۱ق.) مؤسس فرقه «نقطویه» یا «پسیخانیه» است. او می‌گوید:

در هر صدسال، یک عالم ربانی نیک کامل برهانی، خلق را از مغلطه نقصان به فضای کمال دعوت می‌کند و این همان مجدد رأس مائه است (ذکاوتی قراگزلو، ۱۳۷۹: ۱۴۷).

محمود، مانند استادش، فضل‌الله استرآبادی، بر اساس همین روایت، خود را مهدی موعود می‌خواند که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آمدن وی مژده داده است! بر اساس ادعای وی: دین اسلام برافتاد و دور عرب به پایان رسید و از این پس دین، دینی است که او آورده و دور، دور عجم است و این دور، هشت هزار سال خواهد بود و در آن هشت مبین خواهند آمد که نخستین ایشان خود اوست! (مشکور، ۱۳۸۶، ش: ۱۱۷). این فرقه بعد از سال ۱۱۰۲ ق. که شاه‌عباس اول، به قلع و قمع ایشان فرمان داد، به جزاندگی از آن‌ها که به هند گریختند؛ نابود شدند.

- از جمله افرادی که ادعای مهدویت کرد و اطرافیان‌ش با استفاده از اخبار ملاحم و فتن به ادعای او مشروعیت بخشیدند، علی محمد باب است. گلپایگانی در فصل ثانی کتاب فرائد می‌نویسد:

در این مختصر به ذکر بعضی احادیث صحیحه که فیما بین اهل تسنن و اهل تشیع، مفاهیم آن متفق علیه باشد و با قرآن مجید منطبق آید، اکتفا می‌شود... از جمله احادیثی که داله بر میعاد ظهور است، حدیث مشهور ابولیبید مخزومی است... و چون بر وفق فرمان حضرت ابی جعفر علیه السلام حروف مقطعه اوایل سور را از «الم ذلک الکتاب» تا «الم» بشماری، ۱۲۶۷ می‌شود و این مطابق است با یوم طلوع نیر اعظم از فارس؛ و این نکته پوشیده نماند که حضرت ابی جعفر علیه السلام تواریخ مذکوره در حدیث را از یوم قیام حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بر اعلان دعوت اخذ فرموده و چنان که در جمیع کتب سیر مذکور است؛ آن حضرت، هفت سال قبل از هجرت بالعلانیه به دعوت قریش قیام فرمود؛ و چون این عدد بر سنین هجریه افزوده شود، بالتمام با سنه ۱۲۶۰ ق. که سنه ظهور نقطه اولی عز اسمه الاعلی است؛ مطابق گردد (گلپایگانی، ۱۳۱۵: ۳۱-۳۴).

گلپایگانی با این بیان، مدعی این نکته است که میرزاعلی محمد باب، پسر میرزا رضای بزاز شیرازی، همان مهدی موعود علیه السلام یا به قول او «نیر اعظم» و «نقطه اولی عز اسمه الاعلی» است! که در سال ۱۲۶۰ ق. ادعای امام زمانی کرد. او با این ادعا بنیان‌گذار فرقه بابیت شد که در حال حاضر دارای طرفدارانی در اطراف دنیاست و دین بابیت را تبلیغ می‌کنند.

نتیجه گیری

از آنچه گذشت، معلوم می‌شود که همه ادیان ابراهیمی، بر نهی از توقیت اتفاق نظر دارند. البته بین یهودیت با دو دین دیگر تفاوتی وجود دارد و آن این که در متون مقدس یهودیت، نهی صریحی بر توقیت وجود ندارد و بعضی از علمای پیشین، بر توقیت تأکید داشتند؛ اما با پیامدهای سوئی که توقیت برای یهودیت در طول تاریخ داشته است، علمای یهود به این اتفاق دست یافتند که زمان ظهور نامعلوم است و کسی حق ندارد برای آن زمانی مشخص

کند؛ اما در مسیحیت و اسلام بنا بر متون مقدس و منابع اصیل دینی، نهی شدیدی نسبت به توقیت و پیروی کردن از توقیت کنندگان وجود دارد.

نکته قابل توجه در این ادیان، آن است که به رغم نهی‌های شدیدی که در هر سه دین در این زمینه صورت گرفته است؛ گاهی، توقیت‌هایی توسط بعضی افراد - با انگیزه‌های مختلف- مطرح شده که مشکلاتی را برای این ادیان و پیروان آنها در پی داشته است. این آسیب‌ها که نوعاً در این ادیان مشترک است، در سه عنوان ۱. یأس و ناامیدی؛ ۲. بستری برای مدعیان دروغین؛ ۳. تشکیل فرقه‌ها، جای می‌گیرند. البته به‌طور قطع، تأثیر این آسیب‌ها در هر سه دین یکسان نیست، بلکه ممکن است بعضی از این پیامدها در یکی از ادیان از دین دیگر پررنگ‌تر باشد.

منابع

قرآن کریم.

۱. ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ ق). *الغیبة*. علی اکبر، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ ق). *کمال الدین و تمام النعمه*، ترجمه: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۳. ابی داود، سلیمان (۱۴۱۸ ق). *سنن ابی داود*، بیروت، بی نا.
۴. جعفریان، رسول (۱۳۹۱). *مهیدیان دروغین*، تهران، انتشارات علم.
۵. ذکاتوی قراگزلو، علی رضا (بهار ۱۳۷۹). «سیری در مطالب «میزان» محمود پسیخانی»، مجله معارف، ش ۴۹.
۶. رسولزاده، عباس و باغبانی، جواد (۱۳۸۹). *شناخت مسیحیت*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
۷. شاکری زواردهی، روح الله (۱۳۸۹). *منجی در ادیان*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۸. طاهری آکردی، محمدحسین (۱۳۹۰). *یهودیت*، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۱۰. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ ق). *الغیبة*، قم، دار المعارف الإسلامیه.
۱۱. عبد الرحمن بن ابی بکر، جلال الدین السیوطی (۱۴۲۴ ق). *الحاوی للفتاوی*، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر.
۱۲. القاضی النعمان المغربي (بی تا). *شرح الأخبار*، تحقیق: السید محمد الحسینی الجلالی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۱۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۳). *آینده جهان (دولت و سیاست در اندیشه مهدویت)*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام.
۱۴. *کتاب مقدس (ترجمه قدیم)*.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق). *الکافی* ترجمه: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۶. کهن، ا (بی تا). *گنجینه ای از تلمود*، ترجمه: امیر فریدون، گرگانی، بی جا، بی نا.

۱۷. گرینستون، جولیوس (۱۳۸۷). *انتظار مسیحا در آیین یهود*، ترجمه: حسین توفیقی، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۱۸. گلپایگانی ابوالفضل (۱۳۱۵ ق). *فرائد*، قاهره، بی نا.
۱۹. مازندرانی، محمد صالح بن احمد (۱۳۸۲ ق). *شرح الکافی، الأصول و الروضة*، تهران، المكتبة الإسلامية.
۲۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ق). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۲۱. _____ (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۲. مشکور، محمدجواد (۱۳۸۶). *فرهنگ فرق اسلامی*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۳. موحدیان عطار، علی و دوستان (۱۳۸۸). *گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان*، قم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
۲۴. مهدی پور، علی‌اکبر (۱۳۸۴). *اوخواهد آمد*، قم، مؤسسه انتشارات رسالت.
۲۵. نعیم، ابو عبدالله، الخزاعی المروزی (۱۴۱۲ ق). *کتاب الفتن*، القاهرة، مكتبة التوحيد.
26. Gershom scholem 1972- –The Messianic idea in Judaism-Second Printing 1971 by Schocken Books inc.
27. The Zohar –Translated By Harry Spring and Maurice Simon-Published By The Rebecca Bennet Publications.